



ماجرای گفت‌وگوی فرزند حاتم طایی با پیامبر(ص) در خصوص پرستش غیر خدا

برای عبادت یک مفهوم وسیع‌تری در فرهنگ قرآن وجود دارد که ما باید آن مفهوم وسیع‌تر را پیدا کنیم و چگونه عبادت خدا بکنیم و عبادت غیرخدا نکنیم.

برای عبادت یک مفهوم وسیع‌تری در فرهنگ قرآن وجود دارد که ما باید آن مفهوم وسیع‌تر را پیدا کنیم و چگونه عبادت خدا بکنیم و عبادت غیرخدا نکنیم.

خبرگزاری مهر - گروه دین و اندیشه: انسان در طول تاریخ، تمام همتش پاسخ به نیازهایش بوده، چرا که انسان ذاتاً موجودی نیازمند آفریده شده است. خطر مهلکی که در کمین انسان است، از یک سو تشخیص نادرست نیازهایش است و از سوی دیگر تجویز پاسخ‌های نادرست به این نیازها. ارمغان انبیای الهی برای عبور دادن انسان‌ها از این گردنه پرخطر، چیزی نیست مگر تعالیمی از جنس وحی الهی؛ قرآن کریم آن تحفه گران‌بهای بی نظیر شفابخش هدایت‌کننده‌ای است که به واسطه حضرت محمد (ص) از طرف خدای متعال برای انسان فرستاده شده است. انسان به سرمنزل آرامش، اطمینان و رضایت مندی در این دنیا نمی‌رسد مگر به واسطه استمداد و بهره‌مندی عملی از این کتاب با عظمت.

قرآن کریم، حقایقی را به انسان تعلیم می‌دهد که انسان قرن بیست و یکم، با وجود تمام پیشرفت‌های مادی بشری که به دست آورده است هیچ‌گاه نتواند و امکان دانستن آن‌ها را نداشته و ندارد، حقایقی که اگر برای انسان آشکار شود و به آن‌ها عمل کند، سبب قدرتمندی و رستگاری‌اش می‌شود. لذا فقط کسانی می‌توانند از گمراهی آشکار خارج شوند و به سوی تباهی نروند، که مورد تعلیم کتاب خدا قرار گرفته باشند. قرآن، کتاب حکیم، کتاب کریم و کتاب هدایتی است که هرکسی با آن نشست و برخاست نماید، بینایی او افزوده می‌شود و قلب او به نور هدایت روشن و توانش برای پیمودن راه حق مضاعف می‌شود.

بهره‌مندی از قرآن، فقط با انس و ارتباط مداوم با این چشمه نورانی است که محقق می‌شود. حفظ قرآن شاید جز بهترین راهکارهای ایجاد انس و ارتباط مداوم با قرآن کریم باشد. حفظ قرآن اگر همراه با فهم و استفاده مکرر آیات در زندگی باشد، می‌تواند بهانه انس بیشتر ما با قرآن کریم شود. باید تلاش شود تا حفظ قرآن کریم مقدمه جاری شدن قرآن در صحنه‌های گوناگون زندگی یکایک انسان‌ها شود. متن زیر حاصل تلاش دارالقرآن کریم برای تبیین و همچنین حفظ موضوعی آیات قرآن کریم است که در روزهای ماه مبارک رمضان تقدیم نگاه شما می‌شود.

آنچه در ادامه می‌خوانید بخش دهم مجموعه «زندگی با آیه‌ها» برگرفته از کتاب طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن حضرت آیت‌الله خامنه‌ای است:

اتَّخَذُوا أَحْبَارَهُمْ وَرُهَبَانَهُمْ أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ وَالْمَسِيحِ ابْنِ مَرْيَمَ وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا إِلَهًا وَاحِدًا ۗ لَّا إِلَهَ إِلَّا هُوَ ۗ سُبْحَانَ عَمَّا يُشْرِكُونَ

ترجمه تدریجی آیه ۳۱ توبه

هیچ کس جز خدای یکتا را نباید پرستید و اطاعت محض فقط از آن خداست؛ اما اهل کتاب غیرخدا را عبادت و اطاعت کردند! «اتَّخَذُوا أَحْبَارَهُمْ وَرُهَبَانَهُمْ أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ» اهل کتاب، علما و عابدانشان را در کنار خدا، به خدایی گرفتند و با اینکه می‌دانستند این عابدان و علما، واقعاً مطیع دستورات خدا نیستند، از روی تعصبات گروهی و قبیلگی اطاعتشان کردند. «وَأَلَّمَسِيحَ ابْنَ مَرْيَمَ» و حضرت مسیح فرزند مریم را هم به خدایی گرفتند تا بتوانند از زیر دستورات خدا برای مبارزه و جهاد شانه خالی کنند. مسیح بن مریم خدایی شد که «فقط» مهربان است و بعد از او دیگر، گناهان انسان‌های بی‌ایمان بخشیده شده و نیازی به تلاش و مبارزه نیست. «وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا إِلَهًا وَاحِدًا» درحالی که فقط به آن‌ها دستور داده بودیم خدای یکتا را بپرستند و این کارشان، شرک است «لَّا إِلَهَ إِلَّا هُوَ ۗ سُبْحَانَ عَمَّا يُشْرِكُونَ» هیچ کسی که قابل پرستش باشد، غیر از او نیست و او از این چیزهایی که شریکش می‌کنند منزّه است و نمی‌توان معبودی را، هم عرض او قرار داد و این را جز دین دانست.

چشمک ستاره‌ها

زمین که پشت به خورشید می‌کند، شب می‌شود، شب که شد، آسمان غرق ستاره است و هر ستاره‌ای با چشمک زدن‌های خود، ما را به خود می‌خواند، و این درحالیست که تمامی این ستاره‌ها کار یک لحظه خورشید را نمی‌کنند!

نه روشنابخشند مثل خورشید، نه گرمابخشند مثل خورشید و نه حیات بخش. ولی همین زمین وقتی که رو به خورشید کرد و روز شد، از ستاره ها هیچ خبری نیست و تمام زمین غرق نور و صحن و صحنه جنبش و حرکت و تلاش و تکاپو خواهد شد.

بندگی خداوند دقیقاً رو کردن به اوست و در نتیجه، روز شدن و در نتیجه حیات و بالندگی است. به همین خاطر فرمود: «وَمَا أَمْرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا إِلَهًا وَجِدًا إِلَهًا إِلَّا هُوَ» و آدمیان مأمور نشدند جز به پرستش خداوند یکتا، همو که پاک و پالوده است از هر همتا و همراهی «سُبْحٰنَهُ عَمَّا يُشْرِكُونَ» ولی به اسف کم نیستند کسانی که کسان دیگری را به خدایی می خوانند و تمام چشم امیدشان به دست آن هاست. این جماعت درست پا گذاشته اند جای پای پاره ای از اهل کتاب که دانشمندان خود را به خدایی خواندند! یا پیامبر خدا عیسی بن مریم را به خدایی گرفتند!

بندگی دیگران!

برای عبادت یک مفهوم وسیع تری در فرهنگ قرآن وجود دارد که ما باید آن مفهوم وسیع تر را پیدا کنیم و اگر خواستیم عبادت خدا بکنیم و عبادت غیرخدا نکنیم؛ یعنی اگر خواستیم موحد و پیرو اصل توحید باشیم، مراقب باشیم که ندانسته عبادت نوع دوم را در مقابل غیر پروردگار عالم انجام ندهیم. یعنی همان چیزی که بیشتر موحدین عالم با اینکه به گمان خود و در ظاهر امر، در مقابل غیرخدا تقدیسی انجام نمی دادند، سجده نمی کردند در مقابل کسانی یا اشیایی غیرخدا؛ با وجود این، در عمل، در فکر، در دل، در روح، عبادت غیرخدا را می کرده اند به معنای دوم. [۱]

عدی بن حاتم طایی پسر حاتم معروف که البته مقام خود این عدی، از پدرش حاتم به مراتب بالاتر و ارجمندتر است وقتی که وارد مدینه شد، رسول اکرم این آیه را بنا کرد خواندن به مناسبت اینکه زاری [۲] را بر گردن او آویخته دید. «أَتَّخَذُوا أَحْبَابَهُمْ وَرُءُوسَهُمْ أَرْبَابًا مِّنْ دُونِ اللَّهِ وَالْمَسِيحَ ابْنَ مَرْيَمَ وَمَا أَمْرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا إِلَهًا وَجِدًا»؛ ۳۱ معنای آیه این است که مسیحیان و یهودیان، احبار و رهبان خود را، عالمان و زاهدان خود را، و مسیح بن مریم را پروردگاران و خدایان خود گرفتند؛ درحالی که خدای متعال فرمان داده بود به آنان که جز خدای واحد، کسی را عبادت نکنند. این آیه وقتی به گوش عدی بن حاتم رسید، رو کرد گفت: ای پیامبر خدا، این حرف درست نیست، ما کی احبار و رهبانمان بر ایمان خدا و رب محسوب شدند؟! کی آن ها را عبادت کردیم؟! اعتراض کرد به پیغمبر و به آیه قرآن. [۳]

پیغمبر اکرم در جواب این تصور عدی بن حاتم، پاسخ داد که بله، در مقابل آن ها سجده نکردید -مفاد فرمایش پیغمبر را عرض می کنم- لکن آنچه آن ها گفتند، بی قیدوشرط پذیرفتید؛ «وَلَكِنْ أَحْبَبُوا لَهُمْ حَرَامًا وَ حَرَّمُوا عَلَيْهِمْ حَلَالًا» حرام های خدا را آن ها حلال وانمود کردند در نظر شما و حلال های خدا را حرام وانمود کردند و شما بی آنکه درصدد باشید واقع مطلب را بفهمید، آنچه آن ها گفتند، بی قیدوشرط اطاعتشان کردید. عبادت این است، پروردگار و رب گرفتن یک موجود این است. [۴]

همه انبیای عظام الهی آمدند تا مردم را موحد کنند. موحد کنند یعنی چه؟ یعنی زنجیر اطاعت غیرخدا را از دست و گردن آن ها باز کنند. [۵]

[۱] طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن، جلسه ۱۱، ص ۳۰۱.

[۲] رشته ای که مسیحیان به وسیله آن صلیب به گردن می آویختند.

[۳] طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن، جلسه ۱۱، ص ۳۰۲.

[۴] همان، جلسه ۱۱، ص ۳۰۳.

[۵] همان، جلسه ۱۱، ص ۳۰۶.